

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Leterary-Cultural

ادبی - فرهنگی

تیمور شاه "تیموری"

یادی از کابل

این ترجیع بند در سه قسمت تقدیم میگردد:

(قسمت اول)

آمد به یاد کابل و سرو و سمن همی
آن شهر باصفا و همه مرد و زن همی
کوههای شامخش به فلک سرکشیده است
یادی ز قـرنهاست حصار کهن همی
بازار شور او که همه شور و شر دروست
سیلیست پرخروش ز مرد و ز زن همی
هندوی او به هندوگـذر میشود مقیم
هم جای بهر طائفه بیرهمن همی
عافل نمیتوان ز خـرابات بگذرد
زان نغمه های دلکش ارباب فن همی
صد مسجد و مناره و آثار اولیاء
جـویند مؤمنان هدف خویشان همی
کس از رُموز دامن صحرا نشد خبر
بس صالحان که گشته شهید وطن همی
راهی به نزد عاشق و عارف اگـر بری
دانی که عشق پاک بود مُبرهن همی
در کـوه باصفا به گلستان ارغوان
نقشی ز خون کشیده ایام کهن همی

ای کابل عزیز ز جان دوست دارم

ای مهد آریان به خـدا میسپارم

چـاردی تو بهشت برین آورد بیاد
هر کوچه اش که خرمن گل میدهد بیاد
صد باغ باصفا و هزاران گل گلاب
بازار دختران چـمن میکند کساد

تیبه و تاج بیگ و سرآسیا و چل ستون هر یک عمارتی که دلت میکنند شاد
پغمان عروس قافله رنگ و بو بود رشک قمر گلی که درین باغ سر نهاد
دریای پرخروش ز دامان کوهسار آبیست خوش نصیب که میان گلی فتاد
آن آسمان بیغش و شبهای مشکبار ایام آفتابی و صبح گهر نهاد
آب و هوای معتدل و باد خوشگوار روز و شبان آن نرود هیچ گه ز یاد
بابر شه سترگ ز شاهان روزگار با عشق تو به دامن پرمهر سر نهاد

ای کابل عزیز ز جان دوست دارم
ای مهد آریان به خدایا میسپارم

توضیح:

کلمه "مبرهن" اصلاً بر وزن "مطنطن و مشعشع و معنبر" است (به ضم اول فتح دوم و چارم و سکون سوم). در بیت هشتم بند اول اما به تلفظ معمول دری کابلی آمده است؛ یعنی (به ضم اول و سکون دوم و فتح سوم و چارم).

(المان - ۲۸ اگست ۲۰۱۱)